

سبک‌شناسی اشعار فیاض لاهیجی

پروین جعفریان، علی‌اصغر حلبی*، احمد حسنی رنجبر

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خرداد ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۵، صص ۱۳۵-۱۱۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6898

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

هدف و زمینه: فیاض لاهیجی از متکلمان و فیلسوفان برجسته شیعه در قرن یازده هجری و از شاگردان ملاصدرا و میرداماد است که آثار متعددی در زمینه فلسفه و کلام اسلامی دارد. همچنین وی از شاعران سبک هندی است که حدود دوازده هزار بیت در قالبهای گوناگون دارد. براساس جستجوی نگارندگان تا کنون در مورد اشعار او بررسی سبک‌شناسانه انجام نشده است. هدف این جستار، بررسی سبک شعر او در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است.

روش مطالعه: این پژوهش براساس شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: براساس یافته‌های این پژوهش، شعر فیاض در مقایسه با دیگر شاعران سبک هندی، دارای نازک‌خیالیه و مضمون‌سازیه‌های پیچیده و دیرفهم نیست. زبان شعری او ساده و روان است و اصطلاحات و تعبیرات عامیانه چشمگیری در آن مشاهده نمی‌شود. فیاض همچنین بشدت متأثر از عرفا و تعالیم آنهاست و تأثیر معارف عرفانی و صوفیانه، بر تحلیلها و تقریرهای وی از مسائل کلامی، در مواضع متعددی مشاهده می‌شود.

نتیجه‌گیری: ردیف در شعر فیاض تنوع بسیاری دارد و جناس، پارادوکس و اسلوب معادله در میان صنایع بدیعی در شعر او فراوانی بیشتری دارد. تشبیه و انواع آن نیز در میان صنایع بیانی، در صدر قرار دارد. مضمون عمده قصاید او مدح و منقبت ائمه اطهار بوده و بنمایه غزلیاتش عشق است. مشخصات عشق، عاشق و معشوق در این اشعار تقریباً متناسب با مکتب عراقی است و عاشق چهره‌ای نگون‌بخت، ناکام، و قانع دارد. معشوق نیز در اوج بی‌اعتنایی و بیرحمی به سر می‌برد. همچنین عرفان قلندرانه و نكوهش ظاهرپرستی در دینداری و ریا و تزویر نیز در میان اشعار او به چشم می‌خورد. او در انواع قالبهای شعری مانند قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، ترجیع‌بند، و ترکیب‌بند شعر سروده است.

تاریخ دریافت: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۵ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۱۰ تیر ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۳ مرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

فیاض لاهیجی، سبک هندی، شعر دوره صفویه.

* نویسنده مسئول:

Ali.halabi@luetb.ir

۷۷۰۱۲۷۴۴ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylology of Fayyaz Lahiji's poems

P. Jafarian, A.A. Halabi*, A. Hasani Ranjbar

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 May 2022
 Reviewed: 15 June 2022
 Revised: 01 July 2022
 Accepted: 14 August 2022

KEYWORDS

Fayyaz Lahiji, Indian style, Safavid period poetry

*Corresponding Author

✉ Ali.halabi@luetb.ir

☎ (+98 21) 77012744

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Fayyaz Lahiji is one of the prominent Shia theologians and philosophers in the eleventh century of Hijri and one of the students of Mulla Sadra and Mir Damad, who has many works in the field of Islamic philosophy and theology. Also, he is one of the poets of the Indian style in the 11th century of Hijri, who has about eleven thousand verses in various styles. According to the authors' search, no stylistic analysis has been done on his poems. The purpose of this essay is to examine his poetry style in three levels: linguistic, literary and intellectual.

METHODOLOGY: This research is based on descriptive-analytical method.

FINDINGS: Based on the findings of this research, compared to other poets of Indian style, Fayyaz's poetry does not have subtle imaginations and complex and slow-to-understand themes. His poetic language is simple and fluent, and there are no significant idioms and slang expressions in it. Fayyaz is also heavily influenced by mystics and their teachings, and the influence of mystical and Sufi teachings on his analyzes and interpretations of theological issues can be seen in several positions

CONCLUSION: The row in Fayyaz's poetry is very diverse, and puns, paradoxes, and the style of equation are more abundant among the creative arts in his poetry. Simile and its types are also at the top among expressive industries. The main theme of his poems is the praise and praise of the imams of Athar, and the theme of his lyrics is love. The characteristics of love, lover, and beloved in these poems are almost in accordance with the Iraqi school, and the lover has an unfortunate, unsuccessful, and satisfied face. Beloved is also at the peak of indifference and cruelty. Also, the mysticism of Qalandariye and the condemnation of appearances in religiosity and hypocrisy can also be seen in his poems. He has written poetry in all kinds of poetry formats, such as qasida, ghazal, masnavi, quartet, tarjeband, and composition.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6898](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6898)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

ملا عبدالرزاق علی‌بن حسین لاهیجی متخلص به فیاض (م ۰۷۲ق) از متکلمان شیعه و شاعران سبک هندی در قرن یازدهم هجری و صاحب تألیفاتی چون *گوهر مراد*، *سرمایه ایمان* و *شوارق‌الالهام* است. لاهیجی اهل لاهیجان بود و اگرچه از جهت علمی و ادبی سرشناس است، درباره زندگی وی اطلاعاتی اندک در دست است و زمان و مکان تولد وی، مشخص نیست. بنابر برخی منابع، وی در شیخانور لاهیجان یا لاهنج از شهرهای گیلان متولد شده و پس از آن در قم اقامت گزیده است (تذکره نصرآبادی: ۱۵۶). به دلیل اقامت وی در قم، برخی او را «قمی» خوانده‌اند (ریحانه‌الادب، ج ۴: ۳۶۱). وی بیشتر عمر خود را در قم سپری کرده است و از برخی اشعار او برمی‌آید که مسافرت‌هایی نیز به نجف، مشهد، تبریز، شیراز و احتمالاً کاشان و اصفهان داشته است (عطایی نظری، ۱۳۹۲: ۲۳). او در اغلب اوقات به بحث و تدریس در مدرسه علمیه حضرت معصومه مشغول بود (ریاض‌العلماء، ج ۳: ۱۱۴). بنابر روایات، هنگام اقامت صدرالمآلهین (ملاصدرا) در قم، فیاض به خدمت او رسید و در محضر او به شاگردی پرداخت (کریمی، مقدمه دیوان فیاض لاهیجی: هفت). بعدها به دامادی استاد مفتخر شد و از طرف او ملقب به «فیاض» گشت. فیاض اشعاری در ستایش ملاصدرا و میرداماد سروده است. فیاض در میان شاگردان ملاصدرا تنها کسی است که پایبند فلسفه مشاء است و در تدریس و تصنیف به سبک فلاسفه مشایی عمل میکند، اما از سرنوشت استاد خود عبرت گرفته و اسرار خود را مخفی نگاه داشت و به آنچه تظاهر میکرد، معتقد نبود (همان: هفده). فیاض همچنین بشدت متأثر از عرفا و تعالیم آنهاست و تأثیر معارف عرفانی و صوفیانه، بر تحلیلهای و تقریرهای وی از مسائل کلامی، در مواضع متعددی مشاهده میشود. دیوان شعر فیاض از آثار مهم ادبی-عرفانی وی است و تذکره‌نویسان عهد صفوی طبع شعر او را ستوده‌اند. در تذکره مخزن‌الغرائب آمده است که «در شاعری نیز دستگاه قوی داشته و وی را معنی خاص بسیار است» (مخزن‌الغرائب، ج ۴: ۴۸۸). اشعار او به سبک هندی و حدود دوازده هزار بیت است و شامل غزل، قطعه، رباعی، قصیده، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و مثنوی است. اما شهرت او در غزلسرای است و بسیاری از غزل‌های صائب را استقبال کرده است. در جستار حاضر برای نخستین بار به سبک‌شناسی اشعار این شاعر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری پرداخته میشود. بدین منظور دیوان اشعار فیاض لاهیجی به تصحیح امیربانو کریمی مطالعه شده و نمونه‌های موردنظر فیشبرداری و استخراج شده است و سپس در این سه سطح ارائه گشته است. لازم به ذکر است اعداد داخل پرانتز در انتهای هر بیت، مربوط به شماره صفحه است.

سابقه پژوهش

قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که تا کنون درباره فیاض لاهیجی صورت گرفته، مربوط به آثار کلامی و فلسفی اوست. براساس جستجوی نگارندگان فقط دو مقاله به بررسی شعر او پرداخته است. «فیاض لاهیجی شاعر رنگها و آهنگها» عنوان مقاله‌ای است از شاهگولی و سانچولی (۱۳۹۴). نویسندگان معتقدند فیاض از رنگ و آهنگ در راستای مضمون‌آفرینی و نوآوری در تصاویر بلاغی بهره برده است. عنوان مقاله دیگر که در همایش بین‌المللی «ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن» ارائه شده، «متناقض‌نمایی در شعر فیاض لاهیجی» از سامره و فرحناز شاهگولی (۱۳۹۴) است. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که در شعر فیاض متناقض‌نمایی جایگاه ویژه‌ای دارد و این ترفند بدیعی در مواردی با نوآوری و تازگی همراه است. فیاض از این شگرد ادبی به صورتهای متفاوتی استفاده کرده و پیوند با هنرهای بلاغی (بیان و بدیع) و زیبایی‌شناسی، ارزش اشعار وی را دوچندان نموده است. عناوین برخی مقالات در حوزه فکری او بدین شرح است:

- نکاتی در باب فیاض لاهیجی و نگاشته‌های کلامی او (عطایی نظری، ۱۳۹۰)؛
 - نقش فیاض لاهیجی در فلسفی شدن کلام شیعه (عطایی نظری، ۱۳۹۰)؛
 - بررسی انتقادی دلایل عقلی فیاض لاهیجی بر اثبات وجود عقول (مؤذن و مشکاتی، ۱۳۹۷).
- چنانچه مشاهده میشود، تا کنون بررسی سبک‌شناسانه راجع به اشعار فیاض لاهیجی انجام نشده و این جستار در راستای رفع این خلأ پژوهشی صورت گرفته است.

بحث و بررسی

شمیسا سبک‌شناسی را دارای سطوح سه‌گانه شامل زبانی، ادبی و فکری میداند. در ادامه به ذکر شواهد مستخرج از اشعار فیاض لاهیجی در هریک از این سطوح پرداخته میشود.

سطح زبانی

از آنجاکه فیاض متکلمی شیعی بوده و در علم کلام، فلسفه و حکمت استاد بوده، بسامد کلمات عربی در اشعار او بسیار زیاد است. همچنین بواسطه پیروی از سبک هندی، تعبیرات و اصطلاحات عامیانه نیز در اشعارش مشاهده میشود. با وجود این در مقایسه با سایر شاعران سبک هندی، تعداد این اصطلاحات و تعبیرات در اشعار او زیاد نیست. در ادامه به برخی از مهمترین و پرتکرارترین ویژگیهای زبانی شعر او اشاره میشود.

کاربرد کلمات عربی: همانطور که گفته شد بسامد کلمات و ترکیبات عربی در شعر فیاض زیاد است. گاهی وزن و ترکیب آوایی این واژه‌ها به نحوی است که کمتر میتوان کاربرد آنها را در شعر و سخن موزون متصور شد. به تعدادی از آنها اشاره میشود: استظهار (۸۱)، انشاد (۱۰۹)، مقتبس (۱۴۷)، احتجاج (۱۸۳)، استبعاد (۳۰۵)، استغائه (۴۲۰)، معدوم (۴۲۱)، مرجح، غبن، منفعل (۴۲۲)، منطبق، مسطر (۴۲۵)، صبیح، فصیح، قبیح، تنقیح، صوامع، صحاح (۴۲۷)، صماخ (۴۲۸)، امتناع، انتفاع، اختراع (۴۵۳)، تمکین (۴۷۵)، متفق (۴۹۱)، مضایقه (۵۲۱)، استمالت (۵۲۷)، ملاذ، معاذ، لواذ، نفاذ، الذاذ، تلاذ، استنقاد، استخلاص، مغاره، استخلاص (۵۷۷)، تلذذ، تسویلات (۵۹۴)، مستخلص، اتم، انقص (۶۱۳)، مستقرض، اختلاط (۶۱۴)، استرشاد (۶۵۰)، مغتفر (۶۸۳).

کاربرد انواع جمع: فیاض از انواع شیوه‌های جمع بستن کلمات بهره برده است:

جمع بستن با «ان»: بیگانگان (۷۲۲)، اسلامیان، سوختگان (۷۲۴)، دوستان، دشمنان، خوبان، کاملان (۷۲۸)، بیقراران (۷۳۰)، افسردگان (۷۴۷)، دانشوران (۷۵۲)، شیران (۷۶۵)، عشقبازان (۷۸۳).

جمع بستن با «ها»: مهربانیها (۷۴۲)، افتادگیها، خواریها (۷۴۳)، زبانها، آشناییها (۷۴۵)، دلها (۷۵۱)، قدردانیها (۷۸۳)، شبها (۲۵۵). او اغلب برای جمع بستن اسامی معنی از این نشانه استفاده کرده است.

جمع بستن با «ات»: مجردات (۴۵)، کمالات (۵۳)، تسویلات (۵۹۴)، مرادات (۴۷۸). این جمع کم‌بسامدترین نوع جمع در اشعار فیاض لاهیجی است.

جمع مکسر: فیاض همچنین از جمع مکسر در کلامش استفاده کرده است که تعداد آنها در مقایسه با کاربرد نشانه‌های جمع فارسی، قابل توجه نیست: صفات (۳۱)، قصور (۶۹)، انوار (۸۱)، صغار و کبار (۸۷)، منازل (۴۲۱)، قدوم (۵۴۳)، فضایل، اغراض (۶۱۳)، احباب (۶۳۵)، اوراد (۶۵۰).

جمع بستن ضمیر مشترک «خود»: ترا که مهر سپهری نزیبید ای دلبر که همچو ماه شوی با کم از خودان همسر (۵)

کاربرد ترکیبات نو و بدیع: یکی از ویژگیهای سبک هندی خلق ترکیبات گوناگون است. فیاض نیز همانند شاعران سبک هندی در استعمال ترکیبات خاص که از ویژگیهای سبکی این دوره محسوب میشود، فروگذاری نکرده است. نمونه‌هایی از آنها ذکر میشود: دل حسرت‌پرست (۲۵۷)، عقل‌پریشان‌شدگان، رتبه‌فروش (۲۵۹)، فلک‌سوختگان (۲۶۳)، خمیازه‌پردازی (۳۰۳)، گوی مهربا (۳۰۶)، نمکزار تبسم (۳۱۰)، پریخانه (۳۱۷)، شادیانه (۳۴۴)، سودای مغز کاو دماغ دل (۵۰۷)، شوخی طفلانه (۵۱۱)، صحبت اشراقیانه (۵۳۱)، دروغ‌لافی بیدارطالعان (۵۴۱)، خوش‌تبسمان نگاه (۵۴۱)، صاف‌آینگی (۵۴۱)، گریه مستانه‌خیز (۵۴۲)، تُرک شکارافکن (۵۶۹)، شهادت‌دوستان (۵۹۵)، وعده‌گاه انتظار (۶۶۴)، بلبل قفس‌زاد (۶۸۳)، نفس‌درازی (۶۸۳)، سبک‌چوشی (۴۴۰)، کم‌درنگ (۴۰۰)، آرزوپناه (۷۴۴)، نومحبت (۷۳۰)، کوچک‌دلی (۶۵۳)، رنگ شکسته (۳۲۰)، روزین (صفت باده در معنی روشن و تابناک) (۴۴۰)، بیرویی (بیشرمی) (۴۰۷).

کاربرد اصطلاحات عامیانه و مربوط به سبک هندی: در دوره صفویه رواج شعر در میان طبقات متوسط و پایین جامعه موجب شد زبان به جانب سادگی متمایل شود و بسیاری از تعابیر زبان کوچه و بازار، که در دوره‌های قبل اجازه ورود به حوزه ادبی را نداشت، به شعر راه یابد؛ در نتیجه دایره زبان شعر گسترش یافت و بسیاری از تعابیر ادبی قدیم از صحنه شعر رخت برپست؛ به نحوی که میتوان گفت زبان شعر سبک هندی، زبان جدید فارسی است و از مختصات زبان قدیم مخصوصاً سبک خراسانی در آن خبری نیست. به نمونه‌هایی از آن در شعر فیاض اشاره میشود:

غلامی همچو من کمتر به دست افتد سرت گردم / کن گوشی به حرفم تا ابد کن حلقه در گوشم (۶۷۹)
 عقل گو کمتر نظر بر حسن تدبیرم کند / من از آن ویرانترم کاندیشه تعمیرم کند (۵۲۴)
 خنده شیرین آن لب طعم دشنامم نداد / من به این طالع شکر هم آب در شیرم کند (۵۲۵)
 چه حسرتها از خوردن نامتها ازو بردم / همین باشد که از وی خورده‌ای یا برده‌ای دارم (۶۵۹)
 به نیم جان شده راضی چو مرغ نوبسمل / به بوی دل شده قانع چو مردم مرتاض (۶۱۳)
 صیت حسنم که به آفاق به جنگ آمده‌ام / پی تسخیر دو عالم ز فرنگ آمده‌ام (۶۳۴)
 و نیز: تبخاله (۲۹۸)، آب و تاب (۳۲۰)، زخم زبان (۶۵۱)، زودرنج (۶۸۲)، پرگاله (۲۹۸)، پنبه در گوش نهادن (۷۱۶)، مُفت (۷۱۶)

کاربرد انواع را: در شعر فیاض، انواع گوناگون «را» به کار رفته است:

رای فک اضافه: ای تو را جلوه خوش و قامت رعنا موزون / همه اندام تو نیکو، همه اعضا موزون (۷۴۶)
 رای نشانه مفعول: ترا ز دور تماشا کنم که چون خورشید / فروغ مهر رخت خیرگی کند به نظر (۳۷)
 رای مالکیت: مرا دلی است ز درد فراق یار و دیار / تمام گریه حسرت تمام ناله زار (۷۶)
 رای متمم: نخل امید به بر نیرسد، اندیشه مدار / کشت را صبر ببايد که رسد وقت درو (۷۵۰)

کاربرد انواع «ی»: در کلام فیاض، تنوع کاربرد «ی»، قابل توجه است:

لیاقت: ندیدنی بود اوضاع روزگار تمام / خوشا به طالع نرگس خواص دیده کور (۶۵)
 فیاض شادی و غم دنیا چو رفتنی است / خود را اگر همیشه غمینی، به شاد گیر (۵۸۷)
 مصدرساز: من آن مرغ زارم که از ناتوانی / به گوشی نزد ناله‌ام حلقه بر در (۹۴)
 شگفتی و تحسین: شوخ‌مستی، چابکی کز شوخ‌مستیهای او / جز نگاه شاد کس نهاد بر دستش چدار (۱۳۲)
 نکره: گفتگوی چشم جادویی مرا دیوانه کرد / همزبانیهای ابرویی مرا دیوانه کرد (۴۷۳)

وحدت: نه گلی در گلستان باقی نه برگی در چمن / بلبلان شوری که دامان بهار از دست رفت (۴۰۸)
 نه هر دل قابل دردست و هر جان باب نومیدی / به صد خون، لاله‌ای از یک چمن گل داغدار افتد (۴۳۲)
 نسبت: چه می ریخت در شیشه ساقی دوران / که شد چهره روزگار ارغوانی (۱۳۳)
 رتبه لیلی چو دادش حسن دانستم که عشق / همچو مجنون میکند آخر بیابانی مرا (۳۱۶)
 مفعولی: فی المثل ار جلوه کند در ضمیر / نرمتر از راز نهانی کند (۱۵۸)
 دهر اگر باشد زلیخا، من چو یوسف نیستم / پس چرا بی جرم عصمت کرده زندانی مرا (۳۱۷)
 شناسه فعل دوم شخص: برین مباح که قانون تازه ساز کنی به قول بلهوس از عاشق احتراز کنی (۷۷۶)
کاربرد انواع «واو»: در کلام فیاض، تنوع کاربرد «واو»، قابل توجه است:
 واو عطف: جدا از من به هرکس خواستی، مهر و وفا کردی مرا ار دام خود سر دادی و خود را رها کردی (۷۸۲)
 واو ربط: یک نظر کرد و از آن صد گونه استغفار داشت / آفتاب عاشقان دائم ز گرمی عار داشت (۳۹۹)
 واو حالیه یا قیدساز: گشته‌ام پیر و همان عشق جوانان بر سرم / مانده‌ام بسیار لیکن بهر کاری مانده‌ام (۶۳۶)
 واو معیت: قرب وی و بُعد من چیست چو با هم شدیم / ما و سر زلف او هر دو سیه‌روزگار (۵۷۸)
 واو استدراک: ز درد دل گره شکوه تو چون تبخال / هزار ره به لب آوردم و حیا نگذاشت (۴۰۶)
 واو حصر و قصر: من و خیال تو در کنج سینه و غم هجر / کجا سر فلک و آفتاب او دارم (۶۵۶)
کاربرد انواع فعل: فیاض از انواع فعل در کلام خویش بهره برده است که بیشترین بسامد متعلق به افعال ساده است.
 فعل پیشوندی: فرونگذاشتن (۴۰۷)، فرورفتن (۴۳۰)، برخاستن (۴۸۲)، برآمدن (۴۸۹)، بازگشتن (۵۱۰)، برآوردن (۵۸۵)، درنوردیدن (۶۶۹).
 فعل مرکب: دیوانه کردن (۴۷۳)، گمان داشتن (۴۳۶)، حرف زدن (همانجا)، و:
 به یاد آن قامت از دیدن شمشاد می‌آید به هر جا روی خوش بینم، رخ او یاد می‌آید (۵۶۵)
 فعل غیرشخصی: توان رسید (۵۰۴).
 فعل ساده: شکیبیدن (۵۰۴)، ریختن (۵۱۵)، بردن (۵۱۶)، گفتن (۵۴۱)، رنجیدن (۵۵۰)، افسردن (۵۷۰)، ربودن، غنودن، زدودن (۶۸۵)، آموختن (۴۹۸)، خوردن (۵۱۷)، شنیدن (۵۷۳).
 عبارت فعلی: به تنگ آمدن (۵۶۸)، از جا کندن (همانجا)، به درآمدن (۵۶۹)، به سر آمدن (همانجا)، و:
 دلا زهر نگاه او غنیمت دان که این مرهم / برای زخمبندیها تو را در کار می‌آید (۵۶۶)
 فعل امر: فعل امر در شعر فیاض بصورت به کار رفته است:
 با «ب»: فانوس شمع کشته دل شو، نهان بسوز / خاموش چون شرار دل سنگ جان بسوز (۵۸۹)
 بدون «ب»: ای دل طریق نیستی از من به یاد گیر / وین طمطراق هر دو جهان را به باد گیر (۵۸۶)
ترکیب وصفی مقلوب: فیاض بندرت از مشخصه‌های زبان کهن فارسی بهره برده است و برای نمونه بسامد این نوع ترکیب وصفی در شعر او، بسیار اندک است:
 بیا و موجزن دریای رحمت را تماشا کن / به هر جا قطره اشکی ز چشم اشکبار افتد (۴۳۲)
 مطلب دگر دارد ورنه آنقدر هم من / بلهوس دل خود را در بدر نمیدانم (۶۸۴)
 به آن بی‌نشان کوی کس ره نبردست / عبث قاصد اشک را میدوانم (۶۸۴)

سطح ادبی

شعر فیاض لاهیجی از نظر غنای ادبی در سطح بسیار خوبی قرار دارد. او از انواع صنایع بلاغی بدیعی و بیانی بهره برده است که در این میان «تشبیه» در صنایع بیانی، و انواع «جناس»، «تکرار» و «پارادوکس» در صنایع بدیعی، پرتکرارتر است. موضوع قابل ذکر این است که شعر فیاض در مقایسه با دیگر شاعران سبک هندی، کمتر دارای مضمون‌سازیه‌های عجیب و غریب و نازک خیالی‌های هندی‌وار است. صنایع بلاغی در شعر او غالباً روشن بوده و از پیچیدگی‌های رایج در سبک هندی به دور است. در ادامه به مهمترین و پرتکرارترین فنون ادبی در شعر او اشاره میشود.

انواع ردیف: اشعار فیاض لاهیجی از حیث تنوع ردیف، یکی از بینظیرترین دیوانهای شعری در ادبیات فارسی است. تنوع و بسامد انواع ردیف، در سخن او قابل توجه است و انواع کلمه از نوع اسم، صفت، قید، حرف اضافه، منادا، فعل، ضمیر و ترکیب آنها بعنوان ردیف در شعر او به کار گرفته شده است. در اینجا به برخی از پرتکرارترین انواع ردیف در شعر او اشاره میشود:

انواع ردیف ساده:

اسم: گره (۳۷)، کر بلا (۱۶۱)، علاج (۴۲۴)، احتیاج (همانجا)، صبح (۴۲۷)، گل سرخ (۴۲۹)، سپند (۵۱۳)، بهار (۵۷۹)، ساغر (۵۸۳)، اخگر (۵۸۴).

صفت: ریخته (۱۱۱)، عبث (۴۲۱)، کج (۴۲۵)، گستاخ (۴۲۸)، بلند (۵۳۹)، لذیذ (۵۷۸).

قید: امشب (۳۲۲)، باز (۵۸۸)، هنوز (۵۸۹).

فعل: نیست (۱۵۱)، میکنم (۱۵۳)، افکنیم (۱۵۶)، گذاشتی (۱۶۵)، داشت (۱۷۱)، برخیز (۱۷۸)، نمیگنجد (۴۳۴)، سوخت (۳۲۷)، است (۳۷۵).

ضمیر: ما (۱۵۵)، من (۱۷۱)، تو (۱۷۰)، خویش (۶۰۶)، او (۷۵۰)، کسی (۷۶۸).

حرف: را (۱۶۶).

شبه‌جمله: مبارک (۶۲۶).

انواع ردیف ترکیبی

حرف و فعل: و لرزد (۲۷)، چه میروی؟ (۱۶۲)، هم شد (۴۹۷).

حرف و اسم: چو شمع (۶۱۹)، در خاک (۶۲۵).

ضمیر و فعل: ما زد (۴۸۱)، تو سوختند (۵۱۴)، تو بود (۵۴۶)، ما باشی (۷۶۸)، من باشی (۷۶۹)، تو باشی (همانجا).

حرف و صفت و فعل: در پیش است (۳۵۲).

صفت و فعل: پر شده است (۱۵۱)، بس است (۳۴۶)، خوش است (۳۴۷)، نزدیک است (۳۵۲)، مضطرب دارد

(۴۴۳)، دیوانه کرد (۴۷۳)، شریک شد (۴۹۶)، آشنا کند (۵۲۰)، تنگ بود (۵۴۵)، پیدا میشود (۵۵۷)، کم نمیشود

(۵۵۹).

اسم و فعل: آتش است (۳۴۷)، آب میخورد (۴۶۵)، غم دارم (۵۲۵).

حرف ندا و منادا: یا امیرالمؤمنین (۱۴۹).

مضاف و مضاف‌الیه: خنده گل (۱۰۱)، گریه شمع (۶۱۹).

ایهام: برخلاف بعضی کسانی که معتقدند شاعران در سبک هندی از صنایع بدیعی و بیانی استفاده نکرده‌اند، باید گفت توجه به رعایت تناسبها و روابط معنایی میان کلمات و اجزای بیت، یکی از گرایشهای ذوقی عصر صفوی

است و شاعرانی چون کلیم، صائب و بیدل به صنایع بدیعی و بیانی بویژه ایهام توجه کامل داشته‌اند (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). شواهدی از انواع ایهام در شعر فیاض:

در بیت ذیل، «عمر» هم اشاره به گذر زمان و سن و سال دارد و هم استعاره مصرحه است از «معشوق»:

بنشین که بی رخ تو ندارم قرار و تاب / عمر عزیز من چه به رفتن کنی شتاب؟ (۳۲۰)

«زبان» در یک معنا به معنای عضوی از صورت، در معنای دیگر اشاره به «زبان» و شعله شمع دارد:

شبی که وصف رخ او به آب و تاب کنم / چو شمع تا سحرم شعله بر زبان ماند (۵۰۰)

«خط» در بیت زیر هم در معنای خط و کتابت، و هم در معنای خطوط هفتگانه جام است:

من طفل مشربم ز فنون هنر مرا / چندان سواد بس که توان خط جام خواند (۵۰۳)

ایهام تناسب: «مشتتری» در اصل در معنای «خریدار» است و در معنای «نام سیاره‌ای» با «سپهر» تناسب دارد:

چشم دارد بر متاع ما سپهر چنبری / یوسف ما بهتر از گرگی ندارد مشتتری (۱۸)

«زبان» در یک معنا به معنای عضوی از صورت، در معنای دیگر اشاره به «زبان» و شعله شمع دارد:

چو دید در کف پای تو جانفشانی من / زبان شمع به پروانه شد دراز امشب (۳۲۳)

ایهام تضاد: «خارخار» در معنای دغدغه و تشویش خاطر، در معنای دیگر با «بستر سنجاب» در تضاد است:

دل را ز خارخار تمنای وصل خویش / خوبان فریب بستر سنجاب داده‌اند (۵۰۶)

انواع جناس: در شعر فیاض نیز مانند همه شاعران فارسی‌زبان، جناس یکی از پرسامدترین فنون ادبی برای ایجاد موسیقی و هماهنگی است. در ادامه به برخی از نمونه‌های پرتکرارترین انواع جناس در شعر این شاعر اشاره میشود.

جناس زائد

وفی است و اوفی، ولی است و اولی / علیم است و اعلم، علی است و اعلی (۲۳)

نیز: ناز و نیاز (۲۶۴)، جم و جام (۵۱۴)، داد و داده (۳۶۹)، یاری و عیاری (۷۱۳)

جناس مضارع

طومار نه فلک ز قضا این امید داشت / کانشای فکر بکر ترا دفتری کند (۱۸۵)

نگه در دیده میدزدم که دارد عکس او در بر / نفس در سینه میپیچم که بوی موی او دارد (۴۵۱)

و نیز: جفا و وفا (۱۹۰)، نفس و قفس (۲۶۴)، کاه و کوه (۳۰۰)، بیماری و بیداری (۴۵۴)، قال و حال (۵۲۶)، باد و یاد (۵۸۶)، مست و دست (۵۹۹)، باک و پاک (۶۲۴).

جناس مصحف

رفت فیاض از سرم اندیشه چین و ختن / این زمان در دل بغیر از فکر بغدادم نماند (۵۰۲)

جناس تام

کتابت کی تواند داد داد بیقراران را / سحاب خشک حسرت میدهد مشتاق باران را (۲۹۰)

سر رفت و داغ عشق بتان از سر نرفت / تن خاک گشت و خلعت غم از برم نرفت (۴۱۱)

چون تیغ کارکرده که افتد ز آب و تاب / آبم تمام رفت ولی جوهرم نرفت (۴۱۱)

تو چون سرو روان از پیش من رفتی و میخواهم / ز خجلت آب گردم تا به دنبالت روان گردم (۶۶۴)

جناس تام مرکب

به باغ بس مه ز شرم رخت گل آب شود / غلاف غنچه گل، شیشه گلاب شود (۵۵۳)

جناس اشتقاق

جز مشت خاک قابل این عشق پاک نیست / مشکل امانتی به امینی سپرده‌اند (۵۰۷)

جناس مقلوب

ز نراکت تن نازکت فکند به پیرهن تو خار / به مثل نسیم صبا به دامنت ارچه برگ سمن کند (۵۲۶)

در پس مرگ مگر سبز شود بر سر خاکم / تخم امید که در مزرع دل کاشته بودم (۶۷۱)

جناس محرف

ذوق بال‌افشانی شمعی است امشب در دلم / کز پیر پروانه هر شب محفل او پُر شود (۵۵۳)

واج آرای: یکی دیگر از گونه‌های پرسامد تکرار لفظی در شعر فیاض، واج آرای است. او در این زمینه بسیار موفق عمل کرده است:

نیاز عالمی را کشته نازت / بنام بی‌نیازی بر تو ختم است (۳۵۶)

اگر دیر آشنا باشد دلت، شادم که هر سنگی / که دیر آتش پذیرد دیر هم خاموش می‌گردد (۴۳۶)

به رنگ عشقبازان برگ برگش رنگ زر دارد / نرنجد نوبهار از ما، خزان جای دگر دارد (۴۴۶)

از دیگر آرایه‌های دخیل در ایجاد موسیقی لفظی و معنوی در شعر او عبارتست از:

تکرار واژه و طرد و عکس

دین یادگار اوست، چو او یادگار دین / چون اهل بیت را بجز او یادگار نیست (۵۸)

اگرچه قطع نظر ممکن است و ممکن ممکن / ولیک دل ز تو برکنندم محال محال است (۳۵۵)

کثرت غم در دلم بر یاد او جا تنگ کرد / کار بر خود تنگ کرد آن کو دل ما تنگ کرد (۴۶۹)

مراعات‌النظیر

گریه‌ام در آب راند و ناله در آتشی نشانند / لاجرم جز مشت خاکی در کف بادم نماند (۵۰۲)

نه قانونی است در سوزم نه آهنگی است در سازم / دلم با ناله خوش دارد هر آهنگست مینالم (۶۸۰)

انواع تشبیه: تشبیه پرسامدترین آرایه معنوی در شعر فیاض است. او از انواع تشبیه سود جسته است؛ همچنانکه اساس سبک هندی را تشبیه شکل می‌دهد. شواهدی از انواع این فن بلاغی در شعر او ارائه می‌شود:

تشبیه مرسل

افعی زلف تو از جادووشی چون روزگار / هر زمان زهر دگر در کار مردم میکند (۵۳۶)

همیشه بخت سیاهم در آرزوی همین است / که همچو سرمه شود پایمال گوشه چشمش (۶۰۴)

تشبیه مضمَر

بی تو به زندان غم هیچ نجنبم ز جا / زلف تو زنجیر کرد موی به موی مرا (۸۹)

چو بر طرف رخ او زلف را دیدم یقین کردم / که روز وصل را شام فراقی هم به دنبال است (۳۵۵)

در بند دین نماند کس از کفر زلف تو / زنجیرها گسست چو موی تو ساختند (۵۱۴)

تشبیه تفضیل

از نشئه زهر چشمت ای شوخ / تلخست همیشه کام بادام (۱۷۴)

خوی از جبین مریز که قدر گلاب رفت / گرمی مکن که رنگ رخ آفتاب رفت (۴۰۷)

تشبیه مفروق

ماییم باغ خشک و تویی ابر نوبهار / ما را بهشت ساز و تو در وی مقام کن (۱۸۹)

عالم وداعگاهی و آدم مسافری است / تا میرسد یکی دگری میکند وداع (۶۱۸)

تشبیه مرکب

گهی آشفته خطم، گهی آزرده خال / به چه دل شاد کنم، دانه بلا دام بلا (۳۱۸)

کار دلم در شکنج زلف تو تنگ است / همچو مسلمان که در دیار فرنگ است (۳۵۳)

غیر زلف او که دوشادوش آن رو می‌رود / سایه با خورشید کی پهلو به پهلو می‌رود؟ (۵۵۱)

تشبیه مقلوب

که گفت غنچه خندان به آن دهان ماند / چه تهمت است که گویند این به آن ماند (۵۰۰)

آنان که در ادای سخن کوتاهی کنند / تشبیه قامت تو به سرو سهی کنند (۵۳۱)

تشبیه بلیغ: تشبیه بلیغ پرسامدترین نوع تشبیه در کلام فیاض لاهیجی است. تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه در آن، از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از این رو به این ساختار تشبیه بلیغ گفته می‌شود؛ چراکه همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه‌شبه آن دو به جستجو و کوشش وامیدارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال مینماید (میرصادقی، ۱۳۷۳: صص ۶۹-۸۳). از آنجاکه هدف از تشبیه بلیغ، تأکید بر تشابه طرفین و مبالغه در اتحاد میان آن دو است، شاعر سعی دارد از نهایت ظرفیت تشبیه برای توصیف مفاهیم موردنظر خود بهره‌بردار. نمونه‌هایی از این تشبیه در کلام فیاض:

زندان غم (۸۹)، چراغ لاله (۱۳۱)، دود آه، خیل اشک (۱۶۱)، موج بلا (۱۸۱)، روبه وهم (۲۷۲)، تیشه اندیشه (۲۷۳)، شمع خرد (۳۱۵)، بیابان نفس (۳۵۱) سمند جور (۳۵۲)، دولت عشق (۳۵۳)، آهوی مطلب (۴۰۸)، گلزار جمال، خاشاک نقص، ابر احسان (۴۱۰)، خلعت غم (۴۱۱)، سیمرغ معرفت (۴۲۳)، همای بی‌نیازی (۴۴۲)، چراغ مه (۴۴۶)، نخل امید (۵۰۳)، طوفان فتنه (۵۰۶)، سیل حادثات (۵۰۸)، مرغ نگاه (۵۲۱)، سیه‌مار اجل (۵۲۳)، بیابان محبت (۵۳۶)، کوه غم، مصر لب (۵۶۸)، تیر آه (۶۱۵).

تشبیهات جدید: تناسب و شبکه معنایی در کلام فیاض مانند اغلب شاعران سبک هندی چشمگیر است، فیاض اما در این طریقه از حد اعتدال خارج نشده است و مضمون‌سازیهایی او دلنشین، بدیع و تا حد کفایت ادبی است. «شعر این دوران در دو شاخه کاملاً متفاوت ایرانی و هندی از همدیگر متمایز شده است. شاخه ایرانی این سبک در نازک‌خیالی، دقت معانی، استعاره‌پردازی و مضمون‌سازی بر مدار اعتدال پیش می‌رود» (فتوحی، ۱۳۸۵). ابیات ذیل شواهدی برای خیالپردازیهای انتزاعی فیاض هستند:

ای آفتاب را ز درت چشم توتیا / در کوچه تو سرمه‌فروشی کند صبا ...

از آرزوی دیدن روی تو آسمان / هر صبح آورد زر خورشید رونما (۱۷۱ و ۱۷۲)

بر لب جو مخرام ای بت رعنا ترسم / که بدزدد روش از قامت دلجوی تو آب (۳۲۰)

به چشم ماه میل سرمه آه / کشم چندانکه مقدورست امشب (۳۲۲)

اطفال گل چو گوهر شبنم ز نازکی / حرف تو را خریده و در گوش کرده‌اند (۵۱۲)

معنی پیچیده‌ای در مصرع خاموشیم / بی‌بانی همچو من باید که تقریرم کند (۵۲۵)

دل به هم چون شیشه ساعت من و او بسته‌ایم / گر دلی خالی کنم، ترسم دل او پر شود (۵۵۴)

بیت فوق به «ساعت شنی» اشاره دارد.

انواع استعاره: استعاره در مقایسه با تشبیه، بسامد کمتری در دیوان اشعار فیاض لاهیجی دارد و تعداد استعاره‌های مکنیه بیشتر از مصرحه است.

استعاره مصرحه

بدین سراچه فانی چه اعتماد بقاست / کنون که یافت فنای تو بر بقا ترجیح (۴۲۷)

درین معموره وحشت ندیدم گوشه امنی / مگر امنیتی در زیر دیوار خطر باشد (۴۹۱)

گر به یاد ناله آرم عالمی پر میشود / آنچه گوش ناشنو زان لعل ناگویا شنید (۵۷۵)

استعاره مکنیه

شب که شیون پیچ و تابم در نفس افکنده بود / از خراش سینه کردم شانه زلف ناله را (۲۹۸)

عشق تو شعله میخورد پرده ناله میدرد / بر دم تیغ میبرد شوق برهنه پای را (۳۰۲)

و نیز: دوش نفس (۳۱۴)، پای رغبت (۳۵۷)، قدم سعی (۴۲۱)، رگ اندیشه، پای ثبات (۵۰۸)، لب امروز (۵۷۴)، عنان گفتگو (۷۰۲).

تشخیص

برگ برگ این گلستان در سماع حیرتند / گر تو زینها بیخبر باشی، خبر دارد بهار (۵۸۰)

کنایه: کنایات در دیوان فیاض معمولاً از نوع ایماء است.

یک جهان گو تیغ برکش ما سپر انداختیم / کس درین میدان بغیر از ما نباشد مرد ما (۲۶۰)

پسند ناکسان بودن نشان ناکسی باشد / چه بهتر دردمندی گر ز چشم روزگار افتد (۴۳۲)

بزم تو را ز مجلس تصویر فرق نیست / از بس نظارگان تو قالب تهی کنند (۵۳۲)

خوش آنکه بلبل ما نغمه سنج باغ تو بود / کسی که بر سر ما جای داشت داغ تو بود (۵۴۷)

گفتم از من نکشی دامن خود روز جدایی / شد غلط هرچه من از مهر تو پنداشته بودم (۶۷۱)

ای که نام نیک داری آرزو در کوی عشق / رو که تشنه آفتاب اینجا ز بام افتاده است (۳۶۸)

تلمیح: تلمیح به شخصیت‌های تاریخی، مذهبی، حماسی، عشقی، عرفانی و مانند آنها در سخن فیاض بسیار است و دستاویزی برای مضمون‌آفرینی قرار گرفته است.

عارفانه: گواه دعوی منصور میتواند شد / کسی که یک سر و گردن به دار نزدیک است (۳۵۳)

حماسی: طریق دل خطرناک است زینجا سرسری مگذر / درین ره کمتر از زال است اگر خود رستم زال است (۳۵۵)

عشقی: پای تدبیر محبت میرسد آخر به سنگ / غیرتی از تیشه فرهاد مییابد گرفت (۴۱۳)

تاریخی: چه یکرنگی است این یا رب که گر محمود را بر دل شکست از غم رسد چین بر سر زلف ایاز افتد (۴۳۲)

مذهبی: هر آتش کی تواند دودم از هستی برآوردن / شب تاریک موسی را چراغ طور میسازد (۴۸۱)

اسلوب معادله: بالاترین حد کاربرد این تجربه خیالی را در شعر عصر صفوی شاهدیم. در شعر نظیری نیشابوری توجه به آن آغاز شده و در نهایت صائب تبریزی متنوعترین گونه‌های آن را در بالاترین بسامد به کار گرفته است.

فیاض لاهیجی به مدد شگرد اسلوب معادله موضوعات معقول و تجریدی اخلاقی، عرفانی، حکمی، اجتماعی و حالات روانی انسان را با ارائه مثالهای حسی برای خواننده عادی و متوسط قابل فهم میکند.

حیف باشد عشق و این آلوده مغزان خسیس / ظلم باشد آتش سوزنده و این مشت خار (۱۰۷)

کتابت کی تواند داد داد بیقراران را / سحاب خشک حسرت میدهد مشتاق باران را (۲۹۰)

روی نکو نمیشود مبتذل از نگاه کس / دیدن جنس قیمتی کم نکند بهای را (۳۰۲)
طول عمر تو اگر عرض ندارد چه هنر / تار در جامه بود بی مدد بود عبث (۴۲۱)
پارادوکس: زمانی که تجربه شاعرانه تجربیدی شود، زبان گرفتار تناقضهای معنی‌شناسانه میشود، خواه این تجرید حاصل ورود به قلمرو تجربه شهودی و باطنی باشد، خواه نتیجه استغراق در تخیلات دور و نازک‌اندیشیهای خیالی. این دو نوع تجربه در شعر فارسی سابقه دارد. نوع اول آن در زبان ادبیات عرفانی و نوع دوم در نازک‌خیالیهای سبک‌هندی.

وصل شد باعث جدایی ما / خصم ما گشت آشنایی ما (۲۷۴)
با زبان بی‌زبانی میکنم تقریر شوق / کرده ذوق گفتگو سرگرم خاموشی مرا (۳۱۵)
در لباس ابر بهتر میتوان دید آفتاب / در نظر پوشیده‌تر کرد دست عریانی مرا (۳۱۶)
از که حیرانم؟ که پرسد کس سراغ خویش را / در سر کویی که هر کس میشود پیدا، گم است (۳۵۶)
برخی دیگر از فنون بلاغی در شعر فیاض بدین شرح است:

استثنای منقطع

آن طرف کام نیست غیر ندامت / چیدم و دیدم گل امید دورنگ است (۳۵۳)
در دیار دل که کس جز حُسن جولانی نداشت / عشق غیر از ناتوانی مرد میدانی نداشت (۴۰۵)

تجاهل‌العارف

نازک‌ترست شکوه‌ام از بوی گل، مگر / این ناله را ز ناله بلبل فشرده‌اند؟ (۵۰۸)

حسن تعلیل

نه تنها می‌پرستانند از زاهد دل‌آزوده / دل تسبیح هم سوراخ‌سوراخست از دستش (۵۹۹)

حسن آمیزی

نگاه گرم می‌خواهم که آتش در دل افروزد / که عمری شد درین خلوت چراغ مرده‌ای دارم (۶۵۸)
شب در نظاره رخس ابرام کرده‌ایم / صد کار پخته از نگهی خام کرده‌ایم (۷۰۶)

تضاد

ای آشنای دشمن و ناآشنای دوست / وی دشمن مروت و خصم رضای من (۱۸۹)
تو تا به خلوت آیینه کرده‌ای آرام / مرا چو شعله هزار اضطراب در پیش است (۳۵۱)
دل از جفای محرم و بیگانه پر نشد / صد دل تهی شد و دل دیوانه پر نشد (۴۹۹)

سطح فکری

وصف ائمه اطهار: از ویژگیهای ممتاز ادب فارسی، عشق و ارادت ویژه شاعران شیعی به پیشوایان و رهبران الهی و ائمه هدی علیهم‌السلام است و بدون تردید هیچ‌یک از امامان معصوم را نمیتوان یاد کرد که شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان در مدح و منقبت و فضایل آنها، شعر و سخنی بر زبان جاری نکرده باشند. از آن میان فیاض لاهیجی که از فیلسوفان و متکلمان برجسته شیعه و از مشهورترین علمای دوره صفویه است، اغراض مختلف شعری را در

دیوان خود جای داده است و آنچه در این میان جلوه‌گری مینماید، قصایدی است که شاعر آنها را به اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص داده است. وی از جمله شاعرانی است که شعر خود را با نام چهارده معصوم علیهم‌السلام زینت بخشیده و آن را از روی اعتقادات عمیق و ارادتی خالصانه انجام داده است. ظاهراً فیاض بیش از همه، به امام علی (ع) ارادت می‌ورزد. یکی از علل سکونت و اقامت طولانی وی در قم نیز، شیفتگی او به فرهنگ و معرفت تشیع است. او در بسیاری از موارد شعر را در جهت تبلیغ دین و عرفان و تنزیه و تزکیه به کار گرفته است و برای تمامی چهارده معصوم و همچنین حضرت معصومه (س) اشعاری سروده است.

در منقبت حضرت علی (ع):

سزای امامت به صورت به معنی / علی ولی آن که شاهست و مولی

جهان همچو چشم است و او همچو مردم / جهان همچو لفظ است و او همچو معنی (۲۳)

در منقبت حضرت فاطمه (س):

چنان به صحن چمن شد نسیم روح‌افزا / که دم ز معجز عیسی زند نسیم صبا...

نهال گلشن عصمت، گل حدیقه دین / سرور سینه بی‌کینه رسول خدا (۴۳-۴۵)

در منقبت حضرت امام حسن (ع)

شهی که از اثر تربیت تواند کرد / چو آفتاب دل تیره مرا روشن

نبیره نبوی نور چشم مرتضوی / امام جمله آفاق شاهزاده حسن (۴۸)

او که از شاگردان میرداماد و ملاصدرا بود، در مدح و رثای ایشان نیز قصایدی سروده است. ابیات ذیل در مدح میرداماد است:

ز باد حادثه آخر بدین شدم دلشاد / که برد خاک مرا تا به آستان مراد

سر مرا که لگدکوب فوج حادثه بود / به خاک درگهی افکند و سربلندی داد (۱۰۹)

و این ابیات بخشی از قصیده‌ای بلند در مدح ملاصدرا:

ماه نو عید و صد چنین باد / میمون به ملازمان استاد

استاد اجل و صدر اعظم / شایسته رحمت خداداد (۱۱۴)

استقبال از شاعران سلف: فیاض لاهیجی اشعاری را به استقبال از شاعرانی چون انوری، مسعود سعد، سنایی، سعدی و حافظ سروده است.

او دو قصیده به پیروی از سنایی سروده و عقایدش را در باب سلوک عرفانی بیان کرده است با مطلع:

تا به کی غافل توان بودن ز مکر روزگار / الحذار ای خفتگان زین خصم بیدار الحذر

این قصیده در منقبت حضرت قائم (عج) است.

و در وصف حضرت رسول و مرقد ایشان:

دلا تا چند خود را فرش این نه سایبان بینی / یکی بر سطح این کرسی برآ تا عرش جان بینی (۱۱)

و غزل ذیل که در استقبال از غزلی از حافظ^۱ سروده است:

خوش به کام همه در ساخته‌ای یعنی چه؟ / عشوه را در به در انداخته‌ای یعنی چه؟ (۷۵۷)

سیل قم (ماده تاریخ): فیاض به برخی وقایع اجتماعی و آداب و رسوم زمانه خویش در اشعارش اشاره کرده و گاه با آنها مضمون‌سازی کرده است. ابیات ذیل مطلع و مقطع ماده تاریخی است که او در مورد سیل ویرانگر قم در قرن

^۱. ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه / مست از خانه برون تاخته‌ای یعنی چه (حافظ)

یازدهم هجری (۱۰۴۵ ق.ه) سروده است:

داد از دست سیل حادثه داد / که ازو شد گل بلا سیراب ...
دوستی آه آتشین زد و گفت / خاک قم را به باد داد این آب (۱۸۱)
در بیت ذیل اشاره به گل سرشوی دارد:

هر که مشتاق تو باشد، گل به سر دارد نشوید / هر کرا در دل تو باشی گل به کف دارد نبوید (۵۷۵)

تعریف عشق: بسیاری از شاعران سبک هندی دربارهٔ عشق، عاشقی، وصف معشوق و سختیهای عشق اشعار گران‌سنگی سروده‌اند؛ به بیانی دیگر، در اکثر دیوانهای شاعران سبک هندی، عشق به نوعی بنمایهٔ اصلی مضامین و موضوعات شعری می‌باشد. در نگاهی کلی شاعران سبک هندی در غزلیات خود به بازتاب عشق مجازی یا جسمانی توجه بیشتری داشته‌اند. در این زمینه از فرازونشیبهای راه عشق سخن میرانند، از ارزشمندی و جایگاه بلند عشق، و همچنین از عاشق، درد و غم معشوق سخن می‌گویند و بر این باورند که عاشق جهت رسیدن به معشوق باید از امور دنیوی درگذرد؛ اما چنانکه از یافته‌های پژوهش حاضر برمی‌آید، این است که عشق الهی و آسمانی و عاری از هرگونه خواهشهای نفسانی، در نظر فیاض عشق واقعی است:

ای برادر با تو گوشم شرح عشق و عاشقی / تا نپنداری که این کار مزیح است و فسوس

عشق را اهل غرض وسواس گفتند و مرض / کش مداوا کار بقراط است و یا جالینوس

راست گفتند این مرض باشد ولی عشقی که هست / مایهٔ آمیزش داماد شهوت با عروس...

عشق روحانیست بی‌رنگی ز هر آلالشی / عشق شهوت نیست جز سرمایهٔ آغوش و بوس (۱۸۷)

برتری عشق و عرفان بر علم و عقل: فیاض بارها در اشعارش عشق و عرفان را بالاتر و ارزشمندتر از علم و عقل دانسته است:

دانشم حاشا که ابر آفتاب من شود / من از آن عارفترم کاین بت حجاب من شود

عشق کافر بین که میگوید عجب دارم اگر / چار دفتر شرح یک حرف از کتاب من شود (۵۵۶)

مرا زاهد به دین میخواند و کافر به ترسایی / بغیر از عاشقی کار دگر از من نمی‌آید (۵۷۰)

به هر گام از ره مطلب دوصد منزل پس افتادم / به راه عقل نافرجام تا کام آشنا کردم (۶۶۳)

اندیشه‌های قلندران: غزلهای فیاض از مضامین عرفان قلندری خالی نیست. شاعران این دوره معمولاً مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان را به شیوهٔ خود بازگو میکردند و گاهی چنین موضوعاتی با وجود داشتن ابهام، در اشعار آنان قابل‌درک‌تر و خلاصه‌تر بیان شده است. فیاض نیز از زاهد و واعظ، چهرهٔ مثبتی ارائه نداده است و آنها را در بند ریا و تزویر و خدعه‌های شیطانی میدانند.

کس نبرد ره به عشق، شکر که این زاهدان / در گرو سبحة و در غم سجاده‌اند

این همه علم و عمل آن همه مکر و حیل / شکر که آزادگان از همه آزاده‌اند (۵۱۰)

بنشینیم و دمی شاد برآریم به هم / پیش از آن کاین نفس عاریت از ما گیرند (۵۱۸)

دانی که این به نام گدایان ملک فقر / در عرصهٔ وجود چه شهنشهی کنند (۵۳۲)

از تنمهای جسمانی گذشتن کار نیست / گر توانی از تلذذهای نفسانی گریز

جامه و عمامه و مسواک و ریش و شانه چیست / هان و هان از دام تسویلات شیطانی گریز (۵۹۴)

ما بی کس و کویان خرابات الستیم / جایی بجز از گوشهٔ میخانه نداریم (۶۶۲)

انتقاد از اختلاف و چنددستگی میان پیروان مذاهب: فیاض در چند جای اشعارش، در دنباله اندیشه‌های قلندران، اختلاف مذاهب و چنددستگی افراد در این زمینه را نکوهش میکند و خداوند را هدف و مقصد اصلی میخواند.

الهی فیض مشرب ده که دلگیرم ز مذهبها / نمیدانم چه میخوانند این طفلان به مکتبها
مشقتهای راه آمد برای راحت منزل / اگر مقصد تویی پس مختلف از چیست مذهبها (۲۵۵)
هم در شیخ زدم هم ره رهبان رفتم / کافر از کعبه و از دیر مسلمان رفتم (۶۴۶)

نتیجه‌گیری

فیاض لاهیجی جزو شاعران سبک هندی در قرن یازدهم هجری است که آثار متعددی در زمینه فلسفه و کلام اسلامی دارد. براساس جستجوی نگارندگان تا کنون درمورد اشعار او بررسی سبک‌شناسانه انجام نشده است. براساس یافته‌های این پژوهش، شعر فیاض در مقایسه با دیگر شاعران سبک هندی، دارای نازک‌خیالیها و مضمونسازیهایی پیچیده و دیرفهم نیست. زبان شعری او ساده و روان است و اصطلاحات و تعبیرات عامیانه چشمگیری در آن مشاهده نمیشود. ردیف در شعر او تنوع بسیاری دارد و جناس، پارادوکس و اسلوب معادله در میان صنایع بدیعی در شعر او فراوانی بیشتری دارد. تشبیه و انواع آن نیز در میان صنایع بیانی، در صدر قرار دارد. مضمون عمده قصاید او مدح و منقبت ائمه اطهار بوده و بنمایه غزلیاتش عشق است. مشخصات عشق، عاشق و معشوق در این اشعار تقریباً متناسب با مکتب عراقی است و عاشق چهره‌ای نگونبخت، ناکام، و قانع دارد. معشوق نیز در اوج بی‌اعتنایی و بیرحمی به سر میبرد. دیگر اینکه نوع معشوق اینکه حقیقی است یا مجازی، آسمانی است یا زمینی، و زن است یا مرد، مشخص نیست. همچنین عرفان قلندران و نکوهش ظاهرپرستی در دینداری و ریا و تزویر نیز در میان اشعار او به چشم میخورد. او در انواع قالبهای شعری مانند قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، ترجیع‌بند، و ترکیب‌بند شعر سروده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی استخراج شده است. آقای دکتر علی‌اصغر حلبی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم پروین جعفریان بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر احمد حسنی رنجبر به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ata'i Nazari, Hamid. (2011). "Points about Fayyaz Lahiji and his theological writings", *Aineh Pazhuhesh*, (128) 22, pp. 26-7.
- Effendi, Mirza Abdullah. (2010). *Riyaz al-Olama and Hayaz al-Fazla*, translated by Mohammad Bagher Sa'edi, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Fayyaz Lahiji, Mulla Abdul Razzaq. (1992) *Divan of Poems*, Tehran: Tehran University Press.
- Fotuhi, Mahmoud. (2006). "Looking at the Indian style", *Encyclopedia of Persian language and literature*, under the supervision of Ismail Sa'adat, Tehran: Persian Language and Literature Academy.
- Hashemi, Sheikh Ahmad Ali Khan. (1991). *Makhzan-Al-Gharayeb*, Islamabad: Persian Research Center of Iran and Pakistan.
- Mirsadeghi, Meymanet. (1993). *Dictionary of poetic art*, Tehran: Mahnaz book.
- Modarres, Mirza Mohammad Ali. (1952). *Rehaneh Al-Adab*, Tehran: Book Publishing Company.
- Nasrabadi, Mirza Mohammad Taher. (1938). *Nasrabadi Tadzkerah*, edited by Hassan Vahid Dastgardj, Tehran: Armaghan Printing House.
- Sharifi, Mohammadreza. (2016). "Examination of Iham and some of its types in the manuscript of Kalim Kashani's Kingship", *Baharestan Sokhon* (38) 14, pp. 19-40.

فهرست منابع فارسی

- افندی، میرزا عبدالله (۱۳۸۹) ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، جلد ۳، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شریفی، محمدرضا (۱۳۹۶) «بررسی ایهام و بعضی از انواع آن در نسخه خطی پادشاهنامه کلیم کاشانی»، بهارستان سخن (۳۸) ۱۴، صص ۱۹-۴۰.
- عطایی نظری، حمید (۱۳۹۰) «نکاتی در باب فیاض لاهیجی و نگاشته‌های کلامی او»، آینه پژوهش، (۱۲۸) ۲۲، صص ۷-۲۶.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵) «نگاهی به سبک هندی»، دانشنامه زبان و ادبیات فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.

فیاض لاهیجی، ملا عبدالرزاق (۱۳۷۲) دیوان اشعار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مدرس، میرزا محمدعلی (۱۳۳۱) ریحانه‌الادب، جلد ۴، تهران: شرکت چاپ کتاب.
میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.
نصرآبادی، میرزا محمدطاهر (۱۳۱۷) تذکره نصرآبادی، به تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: چاپخانه ارمغان.
هاشمی، شیخ احمدعلی خان (۱۳۷۱) مخزن‌الغرائب، جلد ۴، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

معرفی نویسندگان

پروین جعفریان: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: jafarian.parvin.59@gmail.com)

علی اصغر حلبی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Ali.halabi@luetb.ir)

احمد حسنی رنجبر: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: ahmadranjbar@luetb.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Parveen Jafarian: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: jafarian.parvin.59@gmail.com)

Ali Asghar Halabi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: Ali.halabi@luetb.ir : Responsible author)

Ahmad Hasani Ranjbar: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: ahmadranjbar@luetb.ir)